

[مقدمه واجب 2](#_Toc34728339)

[تفصیلات مطرح شده در وجوب مقدمه 2](#_Toc34728340)

[تفصیل اول: وجوب مقدمه سببی و عدم وجوب غیر سببی 2](#_Toc34728341)

[اجوبه مرحوم آخوند 2](#_Toc34728342)

[تفصیل دوم: وجوب مقدمه شرعیه و عدم وجوب مقدمه غیر شرعیه 3](#_Toc34728343)

[جواب اول مرحوم آخوند: رجوع شرط شرعی به عقلی 3](#_Toc34728344)

[اشکال استاد به جواب اول مرحوم آخوند 3](#_Toc34728345)

[جواب دوم مرحوم آخوند: استلزام دور از وجوب شرعی مقدمه 3](#_Toc34728346)

[اشکال استاد به جواب دوم مرحوم آخوند 4](#_Toc34728347)

[مقدمه مستحب و مکروه و حرام 5](#_Toc34728348)

[مقدمه مستحب 5](#_Toc34728349)

[مقدمه حرام و مکروه 5](#_Toc34728350)

**موضوع**: بررسی اقوال /بررسی مقدمات مستحب و مکروه /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد مقدمه واجب تمام شد. مختار استاد عبارت است از: امر به ذی المقدمه عرفا، امر به مقدمه است. فهم عرفی علمای سابق نیز این گونه بوده است که امر به ذی المقدمه عرفا امر به مقدمه است. نکته این استدلال نیز دو مطلب است: یکی این است که خیلی اوقات امر مستقل به مقدمات تعلق گرفته است و دیگر این است که نکته تعلق امر به مقدمه، مستتبع بودن امر به ذی المقدمه نسبت به امر به مقدمه است.

# مقدمه واجب

## تفصیلات مطرح شده در وجوب مقدمه

### تفصیل اول: وجوب مقدمه سببی و عدم وجوب غیر سببی

بحث در بعضی از تفصیلاتی است که مرحوم آخوند[[1]](#footnote-1) در خاتمه بحث مقدمه واجب متعرض شده است. عمده آن تفصیلات، دو تفصیل است. تفصیل اول بین مقدمه سببی و مقدمه غیر سببی است. مقدمه سببی به مقدمه ای گفته می­شود که ذی المقدمه بر آن مترتب می­شود و بین مقدمه سببی و ذی المقدمه تخلل اراده نیست. مقدمه غیر سببی مقدماتی است که مقدمه از جمله معدات هستند و ذی المقدمه بر آنها مترتب نمی­شود و لا اقل اراده مکلف بین مقدمه و ذی المقدمه تخلل پیدا می­کند.

گفته شده است: مقدمات سببی وجوب دارند و مقدمات غیر سببی وجوب ندارند. وجه آن این است که در مقدماتی که سبب برای ذی المقدمه هستند، سبب تحق قدرت مکلف است و مسبب تحت قدرت مکلف نیست؛ پس چیزی که واجب است همان سبب است بر خلاف مقدمات غیر سببی که ذی المقدمه مقدور مکلف است و از طرفی امر، به ذی المقدمه تعلق گرفته است و وجهی ندارد که امر به مقدمات سرایت کند.

#### اجوبه مرحوم آخوند

مرحوم آخوند جواب داده است: اولا ملاک وجوب مقدمه، توقف است و توقف در مقدمات غیر سببی هم وجود دارد و تفصیل وجهی ندارد.

ثانیا دلیل مستدل اگر صحیح باشد، تفصیل در وجوب ذی المقدمه است. مستدل ادعا کرده بود: مسبب غیر مقدور است و تکلیف به مسبب تکلیف به غیر مقدور است؛ پس تکلیف به سبب تعلق گرفته است و نتیجه آن این است که سبب وجوب نفسی داشته باشد.

ثالثا بیان مستدل اشتباه است؛ زیرا مسبب مقدور است؛ ولی مقدور با واسطه است. خیلی اوقات در شریعت امر به مسبب تعلق گرفته است و وجهی ندارد که ما رفع ید از ظهور امر به مسبب کنیم. نظیر فری اوداج اربعه که سبب برای تذکیه حیوان است و حکم بر تذکیه مترتب شده است؛ پس اشکالی ندارد که امر به مسبب تعلق گرفته شده باشد.

### تفصیل دوم: وجوب مقدمه شرعیه و عدم وجوب مقدمه غیر شرعیه

تفصیل دوم، تفصیل بین مقدمه شرعیه و غیر آن (مقدمات عقلیه و مقدماتی که شارع در دخالتی در آنها ندارد) است. اگر مقدمه شرعی باشد، وجوب شرعی دارد؛ چون فرض این است که شرعی است و وجوب به تعلق پیدا کرده است. مانند وجوب طهارت و تستر برای نماز؛ اما اگر مقدمه شرعی نیست وجهی ندارد که مقدمه وجوب داشته باشد. مانند قطع مسافت برای حج.

#### جواب اول مرحوم آخوند: رجوع شرط شرعی به عقلی

مرحوم آخوند فرموده است: شرط شرعی به شرط عقلی رجوع می­کند. سابقا یکی از تقسیمات مقدمه تقسیم مقدمه به عقلی و شرعی و عادی بود. مرحوم آخوند فرموده بود که مقده شرعی به مقدمه عقلی رجوع می­کند؛ زیرا بعد از این که شارع چیزی را شرط قرار داد، توقف ذی المقدمه بر مقدمه عقلی است و مقدمات عادیه هم که اساسا مقدمه نیستند. پس ما یک مقدمه داریم و آن مقدمه عقلی است.

##### اشکال استاد به جواب اول مرحوم آخوند

جواب اول مرحوم آخوند جواب از مستدل نیست؛ زیرا مستدل نیز قبول دارد مقدمه شرعیه به عقلیه رجوع می­کند. مستدل ادعا دارد که شرعی شدن مقدمه قبل از رجوع آن به عقلی، به ایجاب شارع است و مستدل قبول دارد که بعد از این که شارع مقدمه را واجب کرد به عقلی رجوع می­کند. در مرحله ای که مقدمه شرعی می­شود، مستدل می­گوید وجوبش از جانب شارع است و اشکال مرحوم آخوند در مرتبه بعدی است که به عقل رجوع می­کند.

#### جواب دوم مرحوم آخوند: استلزام دور از وجوب شرعی مقدمه

مرحوم آخوند فرموده است: اصل ادعا صحیح نیست و استدلال باطل است. مستدل گفته بود مقدمه شرعی واجب است؛ چون نمی­شود مقدمه شرعی باشد و ایجابِ شرعی نداشته باشد. این دلیل دور است؛ زیرا ایجابِ غیری، متوقف بر مقدمه بودن است حال اگر بنا باشد که مقدمه، موقوف بر ایجاب باشد، دور لازم می­آید.

حال این سوال مطرح می­شود که مقدمیت از چه راهی آمده است؟ مقدمیت از راه تقید واجب نفسی حاصل شده است. این که مثلا وجوب بر نماز با طهارت مترتب شده است تقید از آن انتزاع شده است؛ پس تقید با امر نفسی حاصل شده است؛ یعنی شرطیت از تكليف نفسى و امر استقلالى انتزاع می­شود. مثلا مولى كه امر به نماز مى‏كند، مطلق نماز كه مأمور به نیست؛ بلکه حصه‏اى از نماز متعلق امر است و آن صلاة مقيد به قيد و شرط است؛ يعنى نماز مقيد به وضو واجب است و از اين امر به مقيد، قيد و شرط بودن وضو انتزاع مى‏شود نه از امر غيرى تا دور باشد.

##### اشکال استاد به جواب دوم مرحوم آخوند

جواب دوم مرحوم آخوند نیز صحیح نیست. ایشان فرمود: مقدمیت نمی­تواند موقوف بر ایجاب باشد و الا دور لازم می­آید. مشهور می­گویند: ایجاب متفرع بر مقدمیت است و مقدمیت هم از ناحیه تقید حاصل می­شود. تقید یک فعلی به شرطی با صیاغت های مختلفی بیان می­شود گاهی اوقات امر به مقدمه و ذی المقدمه با هم تعلق گرفته است(نماز با طهارت بخوان) و گاهی اوقات شارع می­فرماید: لا صلاة الا بطهور. مشهور قائلند: همیشه در اوامر غیریه یک تقیدی (فعل به همراه شرط) اعتبار شده است و تقید مقدمیت را حاصل می­کند و ایجاب بر مقدمیت مترتب می­شود.

به نظر ما شرطیت شرعیه همان طوری که به دو طریقه مذکور ممکن است، می­توان طریقه سومی هم داشته باشد؛ یعنی ممکن است بگوییم با ایجاب غیری هم شرط شرعی حاصل می­شود. از قبیل متمم الجعل مرحوم نائینی نسبت به قیود غیر مقدور. مثلا شارع مقدس امر به نماز می­کند و بعد می­بیند که نماز بدون طهارت غرض را حاصل نمی­کند به خاطر ذی المقدمه، یک امر غیری به طهارت صادر می­کند.

به نظر ما شرط شرعی نیاز به اعتبار تقید در رتبه قبل از امر به آن ندارد؛ یعنی برای تحقق شرطیت چیزی نیاز نیست که در مرحله اول تقید مشروط به شرط اعتبار شود و بعد به آن امر شود؛ بلکه از ابتدا شارع می­تواند امر کند و با این امر شرطیت و تقید حاصل بشود.

تمام نکته بحث همین است که آیا برای شرط شرعی شدن، نیاز است که در رتبه اول مشروط متقید به شرط اعتبار شده باشد و بعد به آن امر شده باشد یا نیازی به متقید شدن ندارد؟ به نظر ما نیازی به اعتبار در رتبه سابق ندارد.

حال به بررسی اصل اشکال دور مرحوم آخوند بپردازیم. در محل کلام دور لازم نمی­آید و اشکال مرحوم آخوند صحیح نیست. ما گفتیم امر غیری متوقف بر ملاک غیری داشتن است نه این که متوقف بر مقدمیت باشد؛ یعنی اول مصلحت غیری وجود دارد و بعد امر غیری می­کند و بعد انتزاع مقدمیت می­شود.

# مقدمه مستحب و مکروه و حرام

## مقدمه مستحب

مرحوم آخوند مى‏فرمايد كه مقدمه مستحب، مثل مقدمه واجب است و اقوالى كه در آنجا بود در اينجا صدق مى‏كند. بر مسلك ما كه ملازمه را پذيرفتيم، مقدّمه مستحب هم مستحب غيرى شرعى است‏.

## مقدمه حرام و مکروه

مهم مقدمه حرام (و مکروه) است که آیا مقدمه حرام، حرام هست یا نه؟ مرحوم آخوند می­فرماید: اگر مقدمه حرام از مقدماتى باشد كه بدنبال انجام آن حرام صادر شود و مكلف قدرت بر ترك حرام نداشته باشد و مقدمه، جزء اخیر علّت تامه صدور حرام باشد، چنين مقدمه‏اى حرام است و طلب ترك از ذى المقدمه به اين مقدمه ترشح مى‏كند. تفاوت مقدمات واجب و حرام در این است که در واجبات که طلب فعل است همه مقدمات موقوف علیه هستند و همه آنها واجب هستند؛ ولی در باب حرام چون مساله ترک است متوقف بر ترک مقدمه اخیره دارد؛ یعنی وقتی مولا طلب ترک نسبت به چیزی را داشت و ملتفت بود که این ترک متوقف بر ترک اخرین مقدمه است؛ پس ترک آخرین مقدمه واجب است و انجام آن حرام است.

به عبارت دیگر، ملاک سرایت وجوب از مطلوب نفسی به مطلوب غیری توقف است و در سائر مقدمات حرام توقف وجود ندارد؛ یعنی ممکن است همه مقدمات انجام بشود؛ ولی مقدمه اخیره را انجام ندهد؛ پس حرام نفسی ترک می­شود. لذا مرحوم آخوند تفصیل بین مقدمات تولیدیه و غیر تولیدیه داده است.

ان قلت: افعال اختيارى ما اعم از واجب و حرام، امورى هستند که دارای مقدماتی هستند و الشّي‏ء ما لم يجب لم يوجد. بنا بر این، كليه افعال، اعم از فعل توليدى و غیر تولیدی، داراى مقدمه‏اى هستند كه جزء اخير از علت تامه را تشكيل مى‏دهد و تا نيايد، فعل هم نمى‏آيد و با آمدن آن فعل حتما مى‏آيد؛ ولی در فعل توليدى جزء اخير از علت تامه عبارتست از مثلا القاء فی النار و در غیر تولیدی جزء اخير اراده انسان است. حال كه در همه جا علت تامه مطرح است؛ پس چرا جزء اخير از علت تامه فعل توليدى را حرام دانسته و مى‏گوئيد كه اين‏گونه مقدمه‏هاى حرام، حرام مى‏باشند؛ ولى جزء اخير از علت تامه فع را حرامل غیر تولیدی نمى‏دانيد و فرق مى‏گذاريد؟

قلت: مرحوم آخوند می­فرماید: بله قبول داریم که جزء اخير از علت تامه اگر نباشد صدور فعل ممكن نيست؛ ولى فرق افعال توليدى و غیر تولیدی در آن است كه در فعل توليدى، آخرين مقدمه چيزهائى از قبيل القاء در نار است كه مقدور و اختيارى است و قابليت دارد كه متعلق نهى و تحريم واقع شود؛ لذا اين‏گونه سببها حرام‏اند؛ ولى در فعل غیر تولیدی، آخرين مقدمه صدور فعل، اراده است و اراده، اختيارى و تحت قدرت و اراده مكلّف نيستند. ادامه بحث در جلسه آینده.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص127.](http://lib.eshia.ir/27004/1/127/التفصیل) [↑](#footnote-ref-1)